

تحلیل تطبیقی تعدد و تکرار جرم در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران

ابوالفضل عاشری^۱، نیما نوروزی^۲

۱ درس خارج فقه و اصول، حوزه علمیه قم، قم، ایران

۲ پژوهشگر رسمی و دانش پژوه سطوح عالی و خارج، معاونت پژوهش حوزه علمیه قم، قم، ایران

چکیده

تعدد و تکرار جرم از مهم‌ترین نهادهای کیفری هستند که نقش اساسی در تشدید مجازات و سیاست جنایی ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و تطبیقی، به بررسی این دو مفهوم در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران می‌پردازد. در فقه امامیه، تعدد جرم عموماً با قاعده «جمع مجازات‌ها» توجیه می‌شود و تکرار جرم به‌ویژه در جرایم حدی، با تشدید تدریجی و در نهایت مجازات اعدام در مرتبه چهارم همراه است. مبانی این دیدگاه در آیات قرآن کریم مانند «ولا تزر وازرة وزر اخرى» و روایات متعدد از ائمه معصومین (ع) ریشه دارد. در حقوق ایران نیز قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قواعد مشخصی را پیش‌بینی کرده است؛ ماده ۱۳۱ و ۱۳۴ در خصوص تعدد جرم و ماده ۱۳۶ و ۱۳۷ در باب تکرار جرم. با این حال، تفاوت‌هایی میان دو نظام وجود دارد؛ از جمله تعیین سقف افزایش مجازات در تعدد و محدود شدن قلمرو تکرار به جرایم تعزیری درجه یک تا شش. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فقه امامیه از انسجام نظری بیشتری برخوردار است، در حالی که حقوق ایران به دلیل ترکیب مبانی فقهی با سیاست جنایی مدرن، انعطاف‌پذیرتر و متناسب‌تر با شرایط اجتماعی امروز عمل می‌کند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار با اصلاح مقررات موجود، شفافیت بیشتری در مرزهای تعدد و تکرار ایجاد کرده و همزمان عدالت کیفری و کارآمدی اجتماعی را ارتقا بخشد.

کلیدواژه‌ها: تعدد جرم، تکرار جرم، فقه امامیه، حقوق کیفری ایران، تشدید مجازات، سیاست جنایی

A Comparative Analysis of Multiplicity and Recidivism in Imami Jurisprudence and Iranian Criminal Law

Abolfazl Ashari, Nima Nooroozi

1. Lecture in Advanced Jurisprudence and Principles, Qom Seminary, Qom, Iran
2. Official Researcher and Advanced Level Scholar, Research Department of Qom Seminary, Qom, Iran

Abstract

Multiplicity and recidivism are among the most significant institutions in criminal law, playing a decisive role in aggravating punishments and shaping criminal policy. This study, through an analytical and comparative approach, examines these two concepts in Imami jurisprudence and Iranian criminal law. In Imami jurisprudence, multiplicity of crimes is generally governed by the rule of “cumulative punishments,” while recidivism—particularly in hudud crimes—is associated with progressive aggravation, ultimately leading to capital punishment at the fourth stage. The foundations of these rules are rooted in Qur’anic verses, such as “*No bearer of burdens shall bear the burden of another*” (Qur’an 6:164), and numerous traditions from the Imams. In Iranian criminal law, the Islamic Penal Code of 2013 (1392 SH) has established clear provisions: Articles 131 and 134 regulate multiplicity, while Articles 136 and 137 address recidivism. Nonetheless, certain differences exist between the two systems, such as the statutory cap for aggravation in multiplicity cases and the restriction of recidivism to first- to sixth-degree ta’zir crimes. Findings reveal that Imami jurisprudence offers greater theoretical consistency, whereas Iranian law—through combining fiqh-based rules with modern criminal policy—provides more flexibility and social adaptability. It is concluded that further legislative reform is needed to clarify the boundaries of multiplicity and recidivism while enhancing both justice and efficiency.

Keywords : Multiplicity of crimes, Recidivism, Imami jurisprudence, Iranian criminal law, Aggravated punishment, Criminal policy

یکی از مهم ترین مباحث در حقوق کیفری، بحث از نهادهای «تعدد» و «تکرار جرم» است که به عنوان عوامل مشدد مجازات در بسیاری از نظام های حقوقی مطرح می شوند. این موضوع در نظام حقوقی ایران نیز به دلیل تأثیرپذیری دو گانه از فقه امامیه و حقوق تطبیقی، جایگاهی ویژه دارد. فقه امامیه با تکیه بر منابعی چون قرآن، سنت، اجماع و عقل، چارچوبی دقیق برای برخورد با مجرمان مکرر یا کسانی که مرتکب جرایم متعدد می شوند، ترسیم کرده است. در مقابل، قانون مجازات اسلامی به ویژه در اصلاحات سال ۱۳۹۲ کوشیده است تا این مفاهیم را با رویکردی منسجم تر وارد نظام عدالت کیفری ایران کند. بدین ترتیب، تعدد و تکرار جرم به مثابه دو ابزار مهم برای تأمین اهداف سیاست جنایی مانند بازدارندگی، اصلاح مجرم و حمایت از امنیت اجتماعی مطرح هستند (اردبیلی، ۱۳۹۴).

مسئله اصلی آن است که نظام عدالت کیفری در مواجهه با این پدیده ها باید بتواند میان عدالت فردی و عدالت اجتماعی تعادل برقرار کند. در مواردی که یک فرد چندین جرم مرتکب می شود، یا پس از محکومیت قطعی دوباره به ارتکاب جرم روی می آورد، پرسش این است که آیا باید همه مجازات ها جمع شوند یا تنها شدیدترین مجازات اعمال گردد. از منظر فقه امامیه، اختلاف نظرهایی درباره جمع یا عدم جمع مجازات ها در تعدد جرم وجود دارد و در باب تکرار نیز شرایط تحقق آن مورد مناقشه است (نجفی، ۱۳۸۸). در حقوق ایران، قانون گذار گاهی به سمت پذیرش قاعده عام رفته و گاه تنها در جرایم خاص مقررات ویژه ای در نظر گرفته است. این وضعیت باعث نوعی ابهام در رویه قضایی و دشواری در تعیین مجازات متناسب می شود.

پژوهش های انجام شده در این حوزه بیشتر به صورت موردی یا محدود بوده اند. برای نمونه، مقاله «تعدد و تکرار جرم در جرایم تعزیری و حدی در نظام کیفری ایران و فقه شیعه» به بررسی تطبیقی این دو نهاد پرداخته، اما تمرکز آن بیشتر بر تحلیل مواد قانونی بوده است (راجی، ۱۳۹۲). همچنین برخی آثار مانند نوشته های صانعی (۱۳۹۲) به بررسی تشدید مجازات در قانون جدید پرداخته اند. اما این مطالعات معمولاً هر یک تنها بخشی از موضوع را روشن ساخته و به صورت جامع به ابعاد فقهی و حقوقی همزمان نپرداخته اند.

در منابع فقهی نیز اگرچه مباحث مهمی در آثار بزرگی چون *جواهر الکلام* (نجفی، ۱۳۸۸) و *شرایع الاسلام* (محقق حلی، ۱۳۸۱) وجود دارد، اما این مباحث عمدتاً به طور پراکنده در ضمن مسائل حدود یا تعزیرات مطرح شده اند. فقها در برخی موارد درباره مصادیق خاص مانند زنا، شرب خمر یا قذف، دیدگاه های متفاوتی ابراز داشته اند. اما

کمتر تلاشی برای یکپارچه‌سازی این مبانی و تطبیق آن با نظام کیفری امروز صورت گرفته است. بنابراین خلأی جدی در پژوهش‌های موجود احساس می‌شود.

این خلأ زمانی برجسته‌تر می‌شود که بدانیم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در بسیاری از موارد، مقررات تازه‌ای درباره تعدد و تکرار وضع کرده که از حیث نظری و عملی با دیدگاه‌های فقهی تفاوت دارد. برای مثال، در حوزه جرایم تعزیری، قانون‌گذار به سمت پذیرش قاعده عام تکرار رفته، در حالی که در جرایم حدی، همچنان به مبانی سنتی فقه امامیه وفادار مانده است. در نتیجه، در برخی موارد شاهد دوگانگی در تعیین مجازات هستیم که این امر می‌تواند عدالت کیفری و کارآمدی سیاست جنایی را تحت الشعاع قرار دهد.

ضرورت این پژوهش از همین جا ناشی می‌شود. در بسیاری از پرونده‌های عملی، قاضی ناچار است میان مقررات مختلف و گاه متعارض درباره تعدد و تکرار انتخاب کند. روشن شدن دقیق قلمرو و آثار این دو نهاد می‌تواند در مقام عمل به شفافیت و یکدستی رویه قضایی کمک کند. افزون بر این، از حیث سیاست جنایی، تحلیل تطبیقی فقه و حقوق می‌تواند مبنایی برای اصلاح قانون و نیز برای اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در برابر پدیده تکرار جرم باشد (اردبیلی، ۱۳۹۴).

نوآوری این مقاله در آن است که برخلاف بسیاری از پژوهش‌های پیشین که تنها یکی از دو مفهوم تعدد یا تکرار را مورد بررسی قرار داده‌اند، این تحقیق به‌طور همزمان هر دو را در چارچوبی واحد تحلیل می‌کند. افزون بر این، مقاله حاضر کوشیده است تا همزمان با بررسی منابع فقهی، مقررات حقوقی ایران را نیز تحلیل کرده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را در پرتو یک رویکرد تطبیقی آشکار سازد. چنین رویکردی می‌تواند به فهم عمیق‌تر جایگاه این نهادها در سیاست جنایی اسلامی و ایرانی کمک کند.

هدف اصلی پژوهش حاضر آن است که تصویری روشن از جایگاه تعدد و تکرار جرم در فقه امامیه و حقوق ایران ارائه دهد. این هدف شامل تبیین مفاهیم، بیان شرایط تحقق، بررسی آثار عملی بر تعیین مجازات و نهایتاً ارائه راهکارهایی برای اصلاح مقررات موجود است. بدین ترتیب، مقاله می‌کوشد ضمن وفاداری به مبانی فقهی، نیازهای سیاست جنایی معاصر ایران را نیز در نظر گرفته و پیشنهادی سازنده برای بهبود قانون‌گذاری ارائه نماید.

مبانی نظری پژوهش

1. مفهوم و تعریف جرم در فقه و حقوق

در فقه اسلامی، جرم به عنوان «معصیت» یا مخالفت با اوامر و نواهی شارع تعریف می‌شود و ریشه در منابعی چون قرآن و سنت دارد. به بیان دیگر، هر فعل یا ترک فعلی که از منظر شارع ناپسند باشد و برای آن مجازاتی مقرر شده باشد، جرم تلقی می‌شود (نجفی، ۱۳۸۸). از این رو جرم در فقه امامیه هم جنبه دنیوی و اجتماعی دارد و هم جنبه اخروی و الهی.

در حقوق ایران، جرم بر اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات تعریف شده است. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود» (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲). این تعریف متأثر از آموزه‌های حقوق مدرن، جرم را صرفاً بر پایه نص قانونی شناسایی می‌کند.

بنابراین تفاوت اصلی در آن است که فقه جرم را بر پایه معیارهای دینی و اخلاقی تعریف می‌کند، در حالی که حقوق موضوعه ایران با اقتباس از مبانی مدرن، تعریف جرم را محدود به قانون می‌سازد. با این حال، هر دو نظام در این نکته اشتراک دارند که جرم عملی ضد نظم اجتماعی است و برای حفظ امنیت جامعه باید ضمانت اجراهای کیفری داشته باشد (اردبیلی، ۱۳۹۴).

2. تعریف و اقسام تعدد جرم

تعدد جرم به حالتی اطلاق می‌شود که فرد مرتکب بیش از یک عمل مجرمانه گردد بدون آن که نسبت به جرم قبلی محکومیت قطعی یافته باشد. در این وضعیت، پرسش اساسی این است که آیا باید همه مجازات‌ها اجرا شوند یا فقط شدیدترین آن‌ها (راجی، ۱۳۹۲).

تعدد جرم به دو قسم تقسیم می‌شود: مادی و معنوی. در تعدد مادی، فرد چند رفتار مستقل انجام می‌دهد که هر یک به تنهایی جرم محسوب می‌شوند، مانند ارتکاب سرقت و سپس ارتکاب ضرب و جرح. در این حالت اصل بر جمع مجازات‌هاست مگر اینکه قانون ترتیب دیگری مقرر کرده باشد (صانعی، ۱۳۹۲).

اما در تعدد معنوی، یک رفتار واحد به موجب قوانین مختلف، تحت چند عنوان مجرمانه قرار می‌گیرد؛ مانند یک عمل که هم خیانت در امانت و هم جعل محسوب شود. در این حالت معمولاً فقط مجازات اشد اعمال می‌شود (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۱۳۴). به این ترتیب، اقسام تعدد در هر دو نظام فقهی و حقوقی آثار متفاوتی در تعیین مجازات دارند.

3. تعریف و اقسام تکرار جرم

تکرار جرم زمانی محقق می‌شود که فرد پس از محکومیت قطعی و اجرای مجازات، مجدداً مرتکب جرم جدیدی گردد. این پدیده نشان‌دهنده خطرناک بودن فرد و ناکارآمدی مجازات‌های قبلی است (اردبیلی، ۱۳۹۴). در فقه امامیه نیز تکرار جرم یکی از علل مشدد مجازات محسوب می‌شود و در برخی جرایم حدی همچون زنا یا شرب خمر، احکام ویژه‌ای دارد (محقق حلی، ۱۳۸۱).

تکرار به دو نوع عام و خاص تقسیم می‌شود. تکرار عام وقتی تحقق می‌یابد که فرد بدون توجه به نوع جرم سابق، دوباره مرتکب جرم جدید شود؛ ولی تکرار خاص به زمانی گفته می‌شود که همان جرم یا جرمی مشابه دوباره تکرار گردد (راجی، ۱۳۹۲).

علاوه بر این، تکرار می‌تواند ساده یا تصاعدی باشد. در تکرار ساده، صرف ارتکاب جرم برای بار دوم موجب تشدید مجازات است، اما در تکرار تصاعدی، شدت مجازات به تناسب دفعات افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که در برخی موارد، مانند ارتکاب چهارباره زنا، مجازات اعدام پیش‌بینی شده است (نجفی، ۱۳۸۸؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۱۳۶).

4. تفاوت‌های مفهومی و حقوقی تعدد و تکرار

با وجود شباهت‌های ظاهری، تعدد و تکرار جرم تفاوت‌های مفهومی بنیادینی دارند. تعدد جرم زمانی رخ می‌دهد که فرد چند جرم را بدون محکومیت قبلی مرتکب شود، اما تکرار جرم زمانی است که فرد پس از محکومیت و اجرای مجازات، مرتکب جرم جدید گردد (صانعی، ۱۳۹۲).

از منظر فقه امامیه، در تعدد جرم معمولاً بحث بر سر جمع یا عدم جمع مجازات‌هاست، در حالی که در تکرار جرم تأکید بر شدت گرفتن مجازات به دلیل حالت خطرناک مجرم است (محقق حلی، ۱۳۸۱). در حقوق ایران نیز این تمایز در مواد قانونی منعکس شده است: مواد مربوط به تعدد (ماده ۱۳۴) بیشتر بر نحوه جمع یا انتخاب مجازات‌ها تمرکز دارد، در حالی که مواد مربوط به تکرار (مواد ۱۳۶ و ۱۳۷) ناظر به تشدید مجازات هستند (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

در نهایت می‌توان گفت فلسفه وجودی این دو نهاد متفاوت است؛ تعدد ناظر به کثرت اعمال مجرمانه است، ولی تکرار ناظر به شخصیت بزه‌کار و خطرناک بودن او. این تفاوت در عمل نیز اهمیت دارد، زیرا آثار مستقیمی بر نوع و میزان مجازات تحمیل شده به مجرم خواهد داشت (اردبیلی، ۱۳۹۴).

تعدد و تکرار جرم در فقه امامیه

۱. تعدد جرم در فقه امامیه

در فقه امامیه، تعدد جرم یکی از مباحث مهم است که به معنای ارتکاب چند فعل حرام توسط یک شخص می‌باشد؛ به گونه‌ای که هر فعل به تنهایی دارای عنوان مجرمانه مستقل است. مبنای قرآنی این مسئله را می‌توان در آیاتی همچون «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴) یافت که دلالت دارد هر فرد مسئول جرم خویش است و بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد (طباطبایی، المیزان، ج ۷). این آیه نشان می‌دهد که تعدد جرم موجب می‌شود هر جرم حساب و مسئولیت مستقل خود را داشته باشد و جمع شدن چند جرم در یک فرد نباید به حذف مسئولیت او بینجامد. از سوی دیگر، آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۷-۸) نیز بر استقلال نتایج اعمال تأکید دارد. فقها از این آیه چنین استنباط کرده‌اند که هر فعل حرام—even اگر کوچک باشد—در قیامت محاسبه می‌شود و در دنیا نیز باید آثار کیفری جداگانه داشته باشد (قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۰). بدین ترتیب، قاعده‌ای کلی از قرآن به دست می‌آید که تعدد جرم نباید موجب سقوط برخی مجازات‌ها گردد.

در منابع روایی نیز شواهد متعددی وجود دارد. برای مثال، در وسائل الشیعه از امام صادق (ع) نقل شده است که «إذا اجتمعت الحدود، أقيمت كلها على صاحبها»؛ یعنی هرگاه حدود متعدد در یک فرد جمع شود، همه‌ی آنها بر او جاری می‌شود (الحر العاملي، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۳۲۱). این روایت به صراحت اصل جمع مجازات‌ها را بیان می‌کند و فقهای امامیه از آن برای اثبات وجوب اجرای تمام حدود استفاده کرده‌اند.

از امام علی (ع) نیز روایت شده است که درباره فردی که هم مرتکب سرقت شده و هم شرب خمر، دستور دادند ابتدا حد سرقت جاری شود و سپس حد شرب خمر (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). این سیره معصومین نشان می‌دهد که در عمل، تعدد جرم سبب جمع مجازات‌ها می‌شود و ترتیب اجرا نیز بر اساس مصلحت قاضی و شدت جرم تعیین می‌گردد (خویی، ۱۴۰۷ق).

فقها در تبیین حکم تعدد، میان «تعدد مادی» و «تعدد معنوی» تفکیک کرده‌اند. تعدد مادی به معنای ارتکاب چند فعل مستقل است، مثل کسی که یک‌بار سرقت کند و یک‌بار قذف نماید. اما تعدد معنوی آن است که یک فعل واحد دارای عناوین متعدد باشد؛ مانند فردی که با یک ضربه، هم موجب جرح و هم موجب اخلال در نظم عمومی گردد. در این حالت، بیشتر فقها معتقدند تنها مجازات اشد اعمال می‌شود (ابن ادریس، السرائر، ۱۴۱۰ق).

قرآن کریم نیز در جرایم خاص، به‌طور مستقیم حکم جداگانه‌ای مقرر کرده است. برای مثال، درباره زنا می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (نور: ۲). و درباره سرقت می‌فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مائده: ۳۸). از جمع این آیات استفاده می‌شود که اگر فردی هم زنا کند و هم سرقت، باید هر دو حد مستقل بر او اجرا شود (طبرسی، مجمع البیان، ج ۷).

شهید اول در *اللمعه الدمشقیه* تأکید می‌کند که در صورت تعدد جرایم، اصل بر اجرای همه حدود است، مگر آنکه در نص خاص، تخفیف یا سقوط برخی مجازات‌ها ذکر شده باشد (شهید اول، ۱۴۱۱ق). شهید ثانی نیز در *الروضه البهیة* همین نظر را شرح داده و می‌گوید: ترک اجرای بخشی از حدود در صورت تعدد، مخالف قاعده است و تنها در مواردی که نص صریح داریم جایز است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق).

در *الخلاص* شیخ طوسی آمده است که اگر فردی مرتکب چند جرم حدی شود، همه‌ی حدود باید اقامه گردد، مگر آنکه اجرای یکی موجب از بین رفتن امکان اجرای دیگری شود. به عنوان نمونه، اگر کسی مرتکب لواط و قذف شود و حکم لواط قتل باشد، دیگر حد قذف اجرا نخواهد شد، زیرا با مرگ مجرم موضوع منتفی می‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق).

نجفی در *جواهر الکلام* به تفصیل بیان می‌کند که اصل اولیه، جمع میان مجازات‌هاست. او در بحث «اجتماع حدود» می‌گوید: شارع مقدس هر جرم را مستوجب حد جداگانه دانسته است، و این حکم باید محترم شمرده شود مگر آنکه تعارض عملی پیش آید (نجفی، ۱۳۶۳، ج ۴۱، ص ۳۲۴).

در برخی متون فقهی مانند *المقنعه* شیخ مفید، تصریح شده که اگر جرایم متعدد باشند، باید هر حد مستقلاً اجرا شود. او تنها استثنا را در مواردی می‌داند که اجرای یک حد، عملاً اجرای سایر حدود را غیرممکن سازد؛ مانند قتل در زنا با محارم (شیخ مفید، ۱۴۱۰ق).

بهبهانی در *الفوائد العلیه* نیز بر همین اصل تأکید می‌کند و تصریح دارد که عدالت اقتضا می‌کند هر جرم پاسخ متناسب خود را بیابد. او تعدد جرم را نشانه‌ی لجاجت و طغیان مجرم می‌داند و معتقد است تشدید مجازات در این موارد به فلسفه بازدارندگی حدود نزدیک‌تر است (بهبهانی، ۱۴۰۵ق).

در مواردی که مجازات‌ها از نوع قصاص و حد با هم جمع شوند، فقها قاعده را بر تقدیم حق الناس (قصاص) قرار داده‌اند. برای مثال اگر فردی مرتکب قتل عمد (قصاص) و شرب خمر (حد) شود، ابتدا قصاص اجرا می‌شود و حد ساقط می‌گردد، چون با مرگ جانی موضوع منتفی می‌شود (سید مرتضی، الانتصار، ۱۴۱۵ق).

روایت دیگری از امام باقر(ع) در *الکافی* آمده است که فرمود: «من أقرَّ علی نفسه بحد، أقيم علیه؛ و إن اجتمعت حدود، أقيمت كلها» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۷). این روایت مجدداً دلالت بر لزوم اجرای همه حدود در صورت تعدد دارد و مبنای اصلی فقهای امامیه در پذیرش قاعده جمع مجازات‌هاست.

با وجود این، برخی فقهای متأخر قائل به نوعی سیاست جنایی تعدیلی هستند. فاضل لنکرانی در *جامع المسائل* اشاره می‌کند که در زمان حکومت اسلامی، حاکم می‌تواند در جرایم تعزیری با تعدد، برخی مجازات‌ها را در هم ادغام کند تا از شدت غیرضروری جلوگیری شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳).

جمع‌بندی دیدگاه‌های فقه امامیه نشان می‌دهد که قاعده کلی، اجرای جداگانه مجازات‌ها در صورت تعدد است، چه در حدود و چه در تعزیرات. تنها استثنا در جایی است که اجرای یکی از حدود عملاً مانع اجرای دیگری شود. این مبنا در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز انعکاس یافته است و مواد ۱۳۴ و ۱۳۱ با الهام از همین دیدگاه، قواعد مربوط به تعدد مادی و معنوی را بیان کرده‌اند.

2. تکرار جرم در فقه امامیه

تکرار جرم در فقه امامیه به معنای آن است که شخصی پس از ارتکاب جرم و اجرای حد یا مجازات شرعی، دوباره مرتکب همان جرم یا جرمی مشابه گردد. این نهاد از منظر فقها نشانه‌ی «خطرناک بودن» و «عدم بازدارندگی مجازات قبلی» است. آیه «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ» (روم: ۱۰) دلالت می‌کند که استمرار در گناه سبب قساوت قلب و افزایش شدت کیفر الهی می‌شود (طباطبایی، المیزان، ج ۱۶). این مبنا به روشنی نشان می‌دهد که تکرار جرم در شریعت اسلامی با تشدید مجازات پیوند دارد.

آیهی دیگری که در این زمینه مورد استناد است، «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ» (مائده: ۳۳). فقها این آیه را شاهد گرفته‌اند که اگر محارب پس از اجرای یکی از کیفرها دوباره به محاربه بازگردد، شدت مجازات تا قتل افزایش می‌یابد (شیخ طوسی، الخلاف، ۱۴۱۷ق). بنابراین، تشدید مجازات در تکرار جرم، ریشه قرآنی دارد.

در روایات نیز مصادیق متعددی برای تکرار جرم ذکر شده است. از امام صادق (ع) روایت است: «إذا شرب الخمر ثانية، جُلِدَ؛ فإذا شرب الثالثة، جُلِدَ؛ فإذا شرب الرابعة، قُتِلَ» (الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۶۵). این روایت نشان می‌دهد که تکرار شرب خمر پس از سه بار به اعدام منتهی می‌شود. چنین روایاتی مبنای اصلی فقهای امامیه در پذیرش تشدید مجازات در تکرار جرم بوده است.

در خصوص زنا نیز روایات متعددی وجود دارد. برای مثال، در الکافی آمده است: «الزانی إذا أُقِيمَ عليه الحد مرتين، قتل في الثالثة» (کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۱۸۰). بر این اساس، اگر کسی چند بار زنا کند و حد بر او جاری شود، در مرتبه سوم یا چهارم به قتل محکوم می‌گردد. این حکم، بیانگر شدت برخورد با مجرمان حرفه‌ای در فقه امامیه است. فقهای بزرگ امامیه مانند شهید ثانی در الروضة البهیة و محقق حلی در شرایع الاسلام این روایات را تفسیر کرده‌اند. آنان تصریح کرده‌اند که تکرار جرم نشانه‌ی بی‌اعتنائی مجرم به احکام الهی است و لذا مجازات باید تصاعدی باشد تا هم بازدارندگی افزایش یابد و هم جامعه از خطر چنین افرادی مصون گردد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق؛ محقق حلی، ۱۳۸۱).

از نظر فقهی، تکرار جرم در جرایم حدی جایگاه ویژه دارد. به عنوان مثال، در زنا، شرب خمر، سرقت و قذف، نصوص خاصی برای تشدید مجازات در صورت تکرار وجود دارد. اما در جرایم تعزیری، تشدید مجازات بیشتر به اختیار حاکم واگذار شده است و از همین جا تفاوت حدود و تعزیرات در مسئله تکرار آشکار می‌شود (جمعی از نویسندگان، تعزیرات، ۱۳۸۵).

در سرقت نیز همین قاعده جاری است. قرآن می‌فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مائده: ۳۸). فقها با استناد به روایات توضیح داده‌اند که در مرتبه اول دست راست، در مرتبه دوم پای چپ، در مرتبه سوم دست چپ، و در مرتبه چهارم پای راست قطع می‌شود؛ و اگر باز هم تکرار کند، به قتل محکوم می‌گردد (نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱). این تصاعد، بارزترین نمونه‌ی تکرار جرم در فقه امامیه است.

قذف نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. در *الخلافا* آمده است که اگر کسی چند بار قذف کند و حد بر او جاری شود، در مرتبه چهارم به قتل محکوم خواهد شد (شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق). این حکم در روایات متعددی از امام صادق(ع) و امام باقر(ع) نیز تأیید شده است (الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸).

ارتداد از دیگر مواردی است که در صورت تکرار جرم، شدت مجازات را به همراه دارد. در روایات آمده است که اگر مرتد فطری توبه کند و دوباره به ارتداد بازگردد، قتل او قطعی است (شیخ مفید، المقنعه، ۱۴۱۰ق). این مسئله در آثار فقهایی چون سید مرتضی در *الانتصار* نیز مورد تأکید قرار گرفته است (سید مرتضی، ۱۴۱۵ق).

فقه‌های امامیه بر این باورند که فلسفه‌ی تکرار جرم و تشدید مجازات، بازدارندگی شدید و حمایت از جامعه است. در واقع، کسی که پس از اجرای مجازات شرعی باز هم به ارتکاب همان جرم بازگردد، نشان داده که اصلاح‌پذیر نیست و باید با شدیدترین کیفر از جامعه حذف گردد (اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ۱۳۸۰).

از منظر اصول فقه، قاعده «لزم امثال اوامر شارع» اقتضا می‌کند که نقض مکرر احکام شرع مستوجب برخورد تصاعدی باشد. به بیان فاضل مقداد در *نصائح القواعد الفقهیه*، تکرار جرم «دلیل بر لجاجت و تمرد» است و حکم آن قتل یا تشدید مجازات است (فاضل مقداد، ۱۴۰۳ق).

شهید اول در *اللمعه الدمشقیه*، و پس از او شهید ثانی در *الروضه البهیة*، تکرار جرم را نشانه‌ای از «استهزاء به حدود الهی» دانسته‌اند. آنان معتقدند که اگر شارع پس از چند بار اجرای حد، حکم به قتل می‌دهد، در واقع مجرم را به عنوان عنصر خطرناک و مزاحم امنیت عمومی حذف می‌کند (شهید اول، ۱۴۱۱ق؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق).

بهبهانی در *الفوائد العلیه* نیز تأکید می‌کند که تشدید مجازات در تکرار جرم نه تنها با عدالت کیفری سازگار است، بلکه عین عدالت است، زیرا فردی که بارها حد بر او جاری شده و باز هم مرتکب جرم می‌شود، استحقاق شدیدترین مجازات را دارد (بهبهانی، ۱۴۰۵ق).

از نظر برخی فقه‌های معاصر، مانند آیت‌الله فاضل لنکرانی، در جرایم تعزیری اختیار حاکم شرع در مواجهه با تکرار جرم گسترده‌تر است. او در *جامع المسائل* می‌گوید که در صورت تکرار جرم تعزیری، حاکم می‌تواند با تشدید مجازات یا ترکیب آن با اقدامات تربیتی و بازدارنده، به گونه‌ای عمل کند که مصلحت جامعه بهتر تأمین شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳).

در جمع‌بندی می‌توان گفت تکرار جرم در فقه امامیه نهادی ریشه‌دار و دارای پشتوانه قرآنی و روایی است. اصل بر این است که با هر بار تکرار، مجازات شدیدتر شود و در مرتبه‌ای معین، به قتل بینجامد. این قاعده در جرایم حدی به‌طور مستقیم اعمال می‌شود، در حالی که در تعزیرات، اختیار حاکم نقش اصلی را دارد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز با الهام از همین مبانی، مواد ۱۳۶ و ۱۳۷ را درباره تکرار جرم وضع کرده است.

تعدد و تکرار جرم در حقوق ایران

۱. تعدد جرم در حقوق ایران

در حقوق کیفری ایران، مفهوم تعدد جرم یکی از مباحث کلیدی است که نقش اساسی در تعیین میزان و نوع مجازات دارد. بر اساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، هرگاه رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، تنها مجازات اشد اعمال می‌شود. این حکم به وضوح بازتابی از دیدگاه فقهی درباره تعدد معنوی است. در مقابل، ماده ۱۳۴ همان قانون، تعدد مادی را چنین تبیین می‌کند که در صورت ارتکاب جرایم متعدد، دادگاه باید برای هر جرم حکم جداگانه صادر کند و مجازات اشد را تا سقف خاصی افزایش دهد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

پیشینه‌ی تعدد جرم در قوانین ایران به قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ بازمی‌گردد که نخستین بار مفهوم تعدد مادی و معنوی را وارد حقوق ایران کرد. در آن قانون، همانند بسیاری از نظام‌های اروپایی، تعدد جرم از عوامل مشدد مجازات به شمار می‌رفت (علی‌آبادی، ۱۳۶۸). پس از انقلاب، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز قواعد کلی تعدد ذکر شد اما به صورت محدود و با الهام مستقیم از فقه امامیه (اردبیلی، ۱۳۸۰).

در قانون ۱۳۹۲، تغییرات مهمی اعمال شد. بر اساس ماده ۱۳۴، اگر جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشند، دادگاه می‌تواند مجازات اشد را تا یک‌ونیم برابر افزایش دهد. این قاعده بیانگر توجه قانون‌گذار به سیاست کیفری جدید در جهت فردی‌سازی مجازات‌ها و تشدید پاسخ کیفری در برابر تعدد گسترده است (صانعی، ۱۳۹۲).

در تعدد معنوی، قانون‌گذار رویکرد ساده‌تری اتخاذ کرده است. مطابق ماده ۱۳۱، در صورتی که یک فعل دارای چند عنوان مجرمانه باشد، فقط یک مجازات اعمال می‌شود و آن هم به اعتبار جرم اشد. این امر هم از منظر عدالت کیفری و هم از حیث عمل‌گرایی قضایی معقول به نظر می‌رسد، زیرا اجرای چند مجازات برای یک عمل واحد با اصل تناسب جرم و مجازات سازگار نیست (نوربهاء، ۱۳۶۹).

تعدد جرم در حقوق ایران علاوه بر قانون ۱۳۹۲، در آیین دادرسی کیفری نیز آثار مهمی دارد. برای مثال، در تعیین صلاحیت دادگاه‌ها، چنانچه چند جرم ارتکاب یافته باشد، جرم اشد معیار تعیین صلاحیت خواهد بود (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۷۸). این نشان می‌دهد که تعدد جرم تنها در تعیین مجازات تأثیر ندارد، بلکه بر کل روند دادرسی نیز اثرگذار است.

فقها و حقوقدانان ایرانی همواره درباره فلسفه تعدد جرم بحث کرده‌اند. برخی مانند اردبیلی (۱۳۸۰) تأکید کرده‌اند که تعدد جرم نشان‌دهنده خطرناک‌تر بودن بزه‌کار است و لذا باید موجب تشدید مجازات شود. در مقابل، گروهی دیگر همچون لطفی (۱۳۱۸) هشدار داده‌اند که جمع مجازات‌ها می‌تواند به مجازات‌های غیرانسانی و خلاف اصل تناسب بینجامد.

رویه قضایی ایران نیز گاه با چالش‌هایی در اجرای مقررات تعدد روبه‌رو بوده است. برای مثال، در مواردی که یک فعل هم کلاهبرداری و هم جعل محسوب می‌شود، دادگاه‌ها غالباً فقط مجازات کلاهبرداری را اعمال کرده‌اند، چون آن را اشد دانسته‌اند. این رویه مطابق با ماده ۱۳۱ است اما در عمل می‌تواند موجب کاستن از جنبه بازدارنده جرم جعل گردد (عسگری، ۱۳۸۴).

در قانون ۱۳۹۲، نوآوری مهم دیگر این است که در صورت تعدد جرم، دادگاه موظف است برای هر جرم حکم جداگانه صادر کند. این تفاوت اساسی با قانون ۱۳۷۰ دارد که در آن تنها به مجازات اشد بسنده می‌شد. این تغییر بیانگر گرایش به شفافیت قضایی و همچنین ایجاد امکان اعمال کیفیات مخففه یا مشدده به صورت جداگانه است (ایروانیان، ۱۳۹۲).

یکی از پرسش‌های مهم در حقوق ایران این است که آیا تعدد جرم همیشه باید موجب تشدید مجازات شود یا می‌تواند در برخی موارد موجب تخفیف گردد. برخی نویسندگان معتقدند که در موارد تعدد معنوی، اعمال فقط یک مجازات به نوعی تخفیف محسوب می‌شود، هرچند نص قانون آن را به صراحت بیان نکرده است (باهری، ۱۳۸۱).

از حیث تطبیقی، مقررات تعدد در حقوق ایران شباهت زیادی با حقوق فرانسه دارد. همان‌گونه که در حقوق فرانسه، اصل بر جمع مجازات‌ها در تعدد مادی و اعمال یک مجازات در تعدد معنوی است، در ایران نیز همین قاعده پذیرفته شده است (عوده، التشریع الجنایی، ج ۲). این شباهت ناشی از تأثیرپذیری قانون‌گذار ایرانی از حقوق تطبیقی در دهه‌های قبل از انقلاب است.

با وجود این، برخی مفسران قانون ۱۳۹۲ معتقدند که مقررات جدید همچنان ابهامات زیادی دارد. به عنوان مثال، مشخص نیست که در صورت ارتکاب بیش از سه جرم، حداکثر افزایش مجازات تا چه اندازه باید باشد و آیا دادگاه می‌تواند کمتر از یک‌ونیم برابر حکم دهد یا خیر (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴).

نکته مهم دیگر این است که در حقوق ایران، برخلاف برخی نظام‌های حقوقی، تعدد جرم تأثیری بر صلاحیت محاکم ندارد، مگر از حیث جرم اشد. این امر باعث شده است که رسیدگی به پرونده‌های متعدد در یک دادگاه متمرکز شود و از پراکندگی دادرسی جلوگیری گردد (قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۷۸).

تعدد جرم همچنین در تعیین آزادی مشروط، تعلیق مجازات و عفو نیز اثرگذار است. برای مثال، محکومان به تعدد جرم کمتر مشمول آزادی مشروط می‌شوند زیرا قانون‌گذار آنان را خطرناک‌تر از مجرمان عادی می‌داند (اردبیلی، ۱۳۹۴).

برخی نویسندگان پیشنهاد داده‌اند که قانون‌گذار ایران باید در مواد مربوط به تعدد، تمایز بیشتری میان جرایم تعزیری، حدی و قصاصی قائل شود. زیرا در حال حاضر، مقررات ماده ۱۳۴ بیشتر ناظر به تعزیرات است و درباره حدود و قصاص شفافیت کافی ندارد (یثربی، ۱۳۸۵).

در جمع‌بندی می‌توان گفت که تعدد جرم در حقوق ایران دارای دو چهره است: در تعدد معنوی، اصل بر اعمال یک مجازات اشد است؛ و در تعدد مادی، اصل بر صدور حکم برای همه جرایم و افزایش مجازات اشد می‌باشد. این رویکرد با وجود شباهت به مبانی فقهی، متأثر از حقوق تطبیقی نیز هست و همچنان نیازمند بازنگری برای رفع ابهامات عملی است.

2. تکرار جرم در حقوق ایران

تکرار جرم در حقوق ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و به عنوان یکی از علل عام تشدید مجازات شناخته می‌شود. ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: هر کس به موجب حکم قطعی به مجازات تعزیری درجه یک تا شش محکوم شود و پس از اجرای حکم دوباره مرتکب جرم تعزیری از همان درجات گردد، دادگاه می‌تواند مجازات او را تا یک‌ونیم برابر افزایش دهد. این ماده اساس قواعد تکرار جرم در حقوق ایران است.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز مقررات مشابهی وجود داشت اما با ابهامات فراوان. در آن قانون، قاعده تکرار بیشتر بر اساس مواد مربوط به حدود تنظیم شده بود و در تعزیرات جایگاه روشنی نداشت. قانون ۱۳۹۲ با پذیرش درجه‌بندی مجازات‌ها (از یک تا هشت)، چارچوب روشن‌تری برای اعمال تکرار ارائه کرده است (اردبیلی، ۱۳۸۰).

مبنای تکرار جرم در حقوق ایران، همانند فقه، بر این است که مجازات قبلی بازدارندگی لازم را نداشته است. از این رو، قانون‌گذار تشدید مجازات را راه‌حل مناسبی برای جلوگیری از تکرار جرم دانسته است. این مبنای در بسیاری از آثار حقوق‌دانان مانند صانعی (۱۳۸۲) به تفصیل شرح داده شده است.

از حیث تطبیق با فقه، قانون ۱۳۹۲ تنها در جرایم تعزیری به تکرار پرداخته است. در جرایم حدی، همان مقررات فقهی جاری است؛ مثلاً در شرب خمر یا سرقت، تشدید مجازات در صورت تکرار بر اساس نصوص شرعی اعمال می‌شود. این دوگانگی بیانگر ترکیب حقوق موضوعه و فقه امامیه در نظام کیفری ایران است (نجفی، ۱۳۶۳).

رویه قضایی در ایران نشان داده که قضات معمولاً از امکان افزایش مجازات در تکرار استفاده می‌کنند، به‌ویژه در جرایمی مانند سرقت و کلاهبرداری. با این حال، برخی محاکم به دلیل ضعف مستندات قانونی در قانون ۱۳۷۰ تمایلی به اعمال تکرار نداشتند. قانون جدید تلاش کرده این مشکل را برطرف کند (عسگری، ۱۳۸۴).

تکرار جرم علاوه بر تشدید مجازات، در حقوق ایران آثار دیگری نیز دارد. برای مثال، محکومان به تکرار جرم از بسیاری از نهادهای ارفاقی مانند تعلیق اجرای مجازات یا آزادی مشروط محروم هستند. این موضوع در جهت تأمین امنیت جامعه و جلوگیری از سوءاستفاده بزه‌کاران حرفه‌ای طراحی شده است (نوربهاء، ۱۳۶۹).

ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی نیز ناظر بر تکرار در جرایم حدی است و مقرر می‌دارد: هر کس سه بار مرتکب جرم حدی شود و هر بار حد بر او جاری گردد، در مرتبه چهارم به اعدام محکوم خواهد شد. این ماده عیناً برگرفته از مبانی فقهی امامیه در باب تکرار است و نشان‌دهنده پیوند مستقیم میان حقوق ایران و فقه است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

در جرایم غیرعمدی، تکرار جرم اصولاً تأثیری بر تشدید مجازات ندارد. برای مثال، اگر کسی بارها موجب تصادف منجر به قتل غیرعمد شود، مقررات تکرار شامل حال او نخواهد شد. این استثنا به دلیل فقدان عنصر «خطرناک بودن ارادی» است که مبنای اصلی قاعده تکرار محسوب می‌شود (صانعی، ۱۳۹۲).

یکی از چالش‌های مهم در اجرای ماده ۱۳۷ این است که آیا جرایم مشابه شرط تحقق تکرار هستند یا هر جرم تعزیری درجه یک تا شش کفایت می‌کند. برداشت غالب در دکترین این است که هر جرم جدید در همان درجات موجب تحقق تکرار است، حتی اگر عنوان متفاوتی داشته باشد (اردبیلی، ۱۳۹۴).

از حیث فلسفه کیفری، برخی نویسندگان مانند ایروانیان (۱۳۹۲) معتقدند که تکرار جرم نشانه ضعف سیاست‌های اصلاحی است و صرفاً با تشدید مجازات نمی‌توان به اهداف پیشگیری رسید. این دیدگاه بر ضرورت ترکیب کیفر با اقدامات اجتماعی و تربیتی تأکید دارد.

با وجود این، قانون‌گذار ایران همچنان رویکرد سنتی را برگزیده و تشدید مجازات را راهکار اصلی دانسته است. حتی در مواردی مانند ماده ۱۳۷، اختیار قاضی در تعیین میزان تشدید محدود است و او باید میان مجازات اشد و یک‌ونیم برابر آن تصمیم بگیرد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

در حقوق ایران، آثار تکرار جرم بر نهادهای ارفاقی گسترده است. به موجب ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، محکومیت قطعی کیفری از شرایط محرومیت اجتماعی محسوب می‌شود. در صورت تکرار جرم، این محرومیت‌ها به‌طور جدی‌تری اعمال می‌شوند (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

از نظر مقایسه با حقوق تطبیقی، نظام ایران در مسئله تکرار جرم به حقوق کیفری کلاسیک نزدیک است. در بسیاری از کشورها مانند فرانسه، تکرار جرم منجر به افزایش مجازات می‌شود. ایران نیز همین الگو را پذیرفته است، هرچند تفاوت اصلی در تأثیرپذیری از فقه امامیه است (عوده، التشریع الجنایی، ج ۲).

برخی صاحب‌نظران بر این باورند که مقررات تکرار در حقوق ایران نیازمند اصلاح است. به‌ویژه اینکه قانون‌گذار در ماده ۱۳۷ صرفاً به درجات مجازات اشاره کرده و جزئیات نحوه اعمال آن را به رویه قضایی سپرده است که می‌تواند موجب ناهمگونی آراء شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴).

در جمع‌بندی باید گفت که تکرار جرم در حقوق ایران از یک سو برگرفته از مبانی فقه امامیه است (ماده ۱۳۶) و از سوی دیگر، با حقوق تطبیقی و سیاست کیفری مدرن هماهنگ شده است (ماده ۱۳۷). فلسفه اصلی آن تشدید مجازات برای مجرمان حرفه‌ای و حمایت از جامعه است. با این حال، نیاز به بازنگری و تکمیل مقررات در این حوزه همچنان احساس می‌شود.

مقایسه تطبیقی فقه امامیه و حقوق ایران

1. شباهت‌ها در مبانی و قواعد

یکی از مهم‌ترین شباهت‌ها میان فقه امامیه و حقوق ایران در حوزه تعدد و تکرار جرم، تأکید بر اصل «شخصی بودن جرم و مجازات یا شخصی بودن مسئولیت کیفری» است. در هر دو نظام، هر جرم به‌طور مستقل دارای مجازات است و ارتکاب چند جرم توسط یک فرد نباید موجب سقوط برخی مجازات‌ها شود. این اصل هم در قرآن کریم با آیه «ولا تزر وازرة وزر اخرى» (انعام: ۱۶۴) و هم در قوانین ایران با مواد ۱۳۴ و ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی انعکاس یافته است (طباطبایی، المیزان؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲). فقهای امامیه و حقوقدانان ایرانی در این نکته هم‌نظرند که تعدد جرم و تکرار آن نشانه شدت خطورت مجرم است و به همین دلیل باید موجب تشدید پاسخ کیفری شود (اردبیلی، ۱۳۸۰؛ نجفی، ۱۳۶۳).

از دیگر شباهت‌ها، پذیرش قاعده «تشدید تدریجی» در تکرار جرم است. فقه امامیه در جرایمی چون شرب خمر و زنا حکم به قتل در مرتبه چهارم داده است (الحر العاملی، ۱۴۱۴ق؛ کلینی، ۱۳۸۸ق). قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۱۳۶ همین قاعده را پذیرفته و به‌صراحت مقرر می‌کند که در مرتبه چهارم جرم حدی، مجازات اعدام اعمال می‌شود. این هماهنگی نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایران در جرایم حدی کاملاً متکی بر منابع فقهی عمل کرده است.

همچنین در تعدد معنوی، هر دو نظام تنها مجازات اشد را معتبر می‌دانند. فقهای امامیه در مواردی که یک فعل واحد چند عنوان داشته باشد، مانند سرقت مسلحانه که هم سرقت است و هم محاربه، مجازات اشد را کافی می‌دانند (شیخ طوسی، الخلاف). همین قاعده در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی نیز انعکاس یافته است. بنابراین در قواعد بنیادین، میان فقه و حقوق ایران همگرایی قابل توجهی وجود دارد.

2. تفاوت‌ها در قلمرو و مصادیق

با وجود شباهت‌ها، تفاوت‌های جدی نیز میان فقه امامیه و حقوق ایران وجود دارد. یکی از این تفاوت‌ها در قلمرو اجرای مجازات‌هاست. فقه امامیه در بسیاری از موارد، قائل به جمع مجازات‌ها در تعدد مادی است، حتی اگر مجازات‌ها سنگین باشند (نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱). اما در حقوق ایران، ماده ۱۳۴ محدودیتی برای افزایش مجازات اشد قرار داده و سقف یک‌ونیم برابر را پیش‌بینی کرده است. این نشان‌دهنده‌ی گرایش حقوق ایران به نوعی اعتدال در تشدید است.

تفاوت دیگر در شمول مقررات تکرار جرم است. فقه امامیه تکرار جرم را در همه جرایم حدی (زنا، شرب خمر، سرقت، قذف، ارتداد و ...) مطرح کرده است (الحر العاملی، وسائل الشیعه). در مقابل، قانون ایران در ماده ۱۳۷ تنها به جرایم تعزیری درجه یک تا شش پرداخته و جرایم غیر عمدی و بسیاری از تعزیرات خفیف را از شمول مقررات تکرار خارج کرده است. بنابراین قلمرو تکرار در فقه گسترده تر از حقوق موضوعه ایران است.

همچنین، در فقه امامیه، تقدم حقوق الناس بر حقوق الله در تعدد جرم قاعده‌ای قطعی است؛ مثلاً اگر شخصی مرتکب قتل عمد و شرب خمر شود، ابتدا قصاص اجرا می‌شود و حد ساقط می‌گردد (سید مرتضی، الانتصار). در قانون ایران چنین قاعده‌ای به صراحت ذکر نشده و تشخیص آن به رویه قضایی واگذار شده است. این تفاوت نشان می‌دهد که نظام قانونی ایران در برخی موارد شفافیت فقهی را ندارد.

3. نقش سیاست کیفری اسلام و حقوق موضوعه در رویکردها

فقه امامیه در رویکرد خود به تعدد و تکرار جرم، بیش از هر چیز بر مبنای دینی و اخلاقی استوار است. هدف اصلی اجرای حدود و تشدید در تکرار، «صیانت از حدود الهی» و جلوگیری از بی حرمتی به شریعت است. از همین رو، فقها تکرار جرم را نوعی «استهزاء به حدود» دانسته‌اند و حکم قتل را در مراتب بالای تکرار مقرر کرده‌اند (شهید ثانی، الروضة البهیة).

اما در حقوق ایران، سیاست کیفری متأثر از ملاحظات اجتماعی و حقوق تطبیقی نیز هست. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ با استفاده از درجه‌بندی مجازات‌ها، کوشیده است که تشدید مجازات در تکرار جرم بر اساس شدت جرم و خطر اجتماعی آن صورت گیرد، نه صرفاً بر مبنای جنبه‌ی شرعی. این تغییر رویکرد نشان می‌دهد که حقوق ایران ترکیبی از مبانی فقهی و سیاست جنایی مدرن را در پیش گرفته است (ایروانیان، ۱۳۹۲).

در واقع، سیاست کیفری اسلام بیشتر بر اصل بازدارندگی شدید و حذف عناصر خطرناک استوار است، در حالی که حقوق ایران در قوانین اخیر تلاش کرده است میان بازدارندگی و فردی‌سازی مجازات تعادل برقرار کند. این تعادل از طریق تعیین سقف تشدید در تعدد (ماده ۱۳۴) و اعطای اختیار به قاضی در تکرار (ماده ۱۳۷) محقق شده است.

4. ارزیابی کارآمدی هر نظام

از حیث کارآمدی، فقه امامیه به دلیل صراحت در منابع قرآنی و روایی و تعیین تکلیف دقیق در مواردی مانند زنا، شرب خمر و سرقت، دارای انسجام بالایی است. این انسجام موجب شده که قانون مجازات اسلامی در بخش حدود

تقریباً بدون تغییر از فقه اقتباس کند. اما در حوزه تعزیرات، فقه امامیه انعطاف بیشتری به حاکم داده است که می‌تواند منجر به تفاوت در اجرا شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳).

حقوق ایران در مقایسه، گرچه از فقه الهام گرفته است، اما به دلیل ترکیب با حقوق تطبیقی، ابهامات بیشتری دارد. به‌ویژه مواد ۱۳۴ و ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی به قاضی اختیار گسترده‌ای داده‌اند که می‌تواند منجر به صدور آراء متفاوت شود. این ناهمگونی در رویه، یکی از چالش‌های اصلی کارآمدی نظام حقوقی ایران در برخورد با تعدد و تکرار جرم است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴).

با این حال، مزیت حقوق ایران آن است که کوشیده با درجه‌بندی مجازات‌ها، عدالت کیفری و تناسب را بیشتر رعایت کند. اگرچه فقه امامیه در برخی موارد مجازات‌های شدید مانند قتل در مرتبه چهارم را مقرر کرده است، اما قانون ایران تنها در جرایم حدی این قاعده را پذیرفته و در تعزیرات به تشدید نسبی بسنده کرده است. در مجموع می‌توان گفت: فقه امامیه در انسجام نظری و صراحت برتر است، اما حقوق ایران در انطباق با نیازهای اجتماعی و عدالت نسبی گام‌های مهمی برداشته است.

بحث و بررسی

یکی از مهم‌ترین نقدهایی که بر مقررات تعدد و تکرار جرم در فقه امامیه و حقوق ایران وارد شده، مسئله‌ی شدت مجازات در موارد تکرار است. فقه امامیه در جرایمی چون زنا، شرب خمر و قذف حکم به قتل در مرتبه چهارم داده است (الحر العاملی، ۱۴۱۴ق؛ کلینی، ۱۳۸۸ق). این در حالی است که بسیاری از حقوق‌دانان معاصر معتقدند چنین شدتی ممکن است با اصل تناسب جرم و مجازات سازگار نباشد (اردبیلی، ۱۳۸۰). در حقوق ایران نیز ماده ۱۳۶ همین قاعده را پذیرفته است، بدون آنکه امکان جایگزین‌های اصلاحی یا بازپرورانه را پیش‌بینی کند.

نقد دیگر مربوط به ابهام در تعیین مرزهای تعدد و تکرار است. در فقه امامیه، این تفکیک عمدتاً روشن و مستند به روایات است، اما در حقوق ایران گاه قضات در تشخیص اینکه یک پرونده مشمول تعدد است یا تکرار، دچار تردید می‌شوند. برای نمونه، اگر فردی پس از محکومیت به جرم سرقت، دوباره مرتکب کلاهبرداری شود، آیا این تکرار محسوب می‌شود یا تعدد؟ برخی دادگاه‌ها آن را تکرار دانسته‌اند، برخی تعدد (صانعی، ۱۳۹۲). این اختلاف رویه، نشانه ضعف در صراحت قانونی است.

چالش مهم دیگر، مسئله‌ی حقوق الناس و حقوق الله در تعدد جرایم است. در فقه امامیه، اصل بر تقدم حق الناس است، لذا اگر فردی مرتکب قتل عمد و شرب خمر شود، ابتدا قصاص اجرا می‌شود (سید مرتضی، ۱۴۱۵ق). اما در حقوق ایران چنین تقدم و تأخیری صریحاً بیان نشده است. این ابهام می‌تواند در عمل به مشکلاتی در ترتیب اجرای مجازات‌ها بینجامد و عدالت کیفری را مخدوش کند.

برخی نویسندگان به این نکته اشاره کرده‌اند که قواعد تعدد و تکرار جرم در حقوق ایران بیش از اندازه به تشدید مجازات گرایش دارد، در حالی که رویکردهای نوین سیاست جنایی بر بازپروری مجرم و کاهش حبس‌های طولانی تأکید دارند (ایروانیان، ۱۳۹۲). از این منظر، باید میان بازدارندگی و اصلاح مجرم تعادل برقرار کرد. در غیر این صورت، افزایش صرف شدت مجازات می‌تواند به تولید مجرمان حرفه‌ای بینجامد.

از نظر فقهی نیز برخی فقهاء مانند فاضل لنکرانی در جامع المسائل یادآور شده‌اند که در جرایم تعزیری، تشدید مجازات در صورت تکرار باید با مصلحت عمومی و امکان اصلاح مجرم هماهنگ شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳). بنابراین حتی در فقه نیز ظرفیت‌هایی برای انعطاف و ملاحظه شرایط اجتماعی وجود دارد، هرچند در متون قانونی ایران کمتر به آنها توجه شده است.

از حیث نظری، یکی از نقدهای جدی بر مقررات تکرار جرم در حقوق ایران این است که قانون‌گذار تنها به درجات مجازات توجه کرده و میان جرایم هم‌نوع و غیرهم‌نوع تفکیک قائل نشده است. در حالی که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، تکرار جرم تنها در صورت مشابه بودن جرم دوم با جرم اول موجب تشدید می‌شود. عدم تمایز در ایران ممکن است عدالت کیفری را مخدوش کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴).

مسئله‌ی دیگر، عدم شفافیت در آثار حقوقی تعدد و تکرار است. برای نمونه، آیا فردی که مشمول تکرار جرم می‌شود، می‌تواند از نهادهایی چون تعلیق مجازات یا آزادی مشروط بهره‌مند گردد؟ قانون به‌طور کلی پاسخ منفی داده است، اما در عمل برخی قضات استثنائاتی قائل شده‌اند. این ناهمگونی می‌تواند به تزلزل در اعتماد عمومی نسبت به عدالت کیفری منجر شود (عسگری، ۱۳۸۴).

از حیث تطبیقی نیز می‌توان نقد کرد که قانون ایران در مقایسه با فقه امامیه انعطاف کمتری دارد. فقه در تعزیرات دست قاضی را باز گذاشته تا بسته به شرایط فردی و اجتماعی مجرم تصمیم بگیرد (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق؛ نجفی، ۱۳۶۳). اما قانون ایران، به‌ویژه در ماده ۱۳۷، محدوده تشدید را به‌صورت عددی (تا یک‌ونیم برابر) محدود کرده است. این امر اگرچه مانع از افراط می‌شود، اما در عین حال می‌تواند از کارایی سیاست جنایی فردی بکاهد.

یکی دیگر از نقدها این است که قانون‌گذار ایران به جنبه‌های پیشگیرانه‌ی غیر کیفری توجه نکرده است. در حالی که فقه امامیه علاوه بر مجازات، به نقش توبه و اصلاح فردی نیز بها داده است (فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، ۱۴۰۱ق). اگر قانون ایران در کنار مجازات‌های تشدید، نهادهایی مانند مراقبت پس از آزادی یا الزام به آموزش و درمان را پیش‌بینی می‌کرد، می‌توانست کارآمدتر باشد.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، مقررات مربوط به تعدد و تکرار جرم در ایران با انتقادات جدی مواجه است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مجازات‌های طولانی و تشدید همیشہ بازدارنده نیستند و گاهی موجب افزایش نرخ بازگشت به جرم می‌شوند (ایروانیان، ۱۳۹۲). بنابراین لازم است قانون‌گذار در کنار تشدید، به راهکارهای بازپرورانه و اصلاحی نیز توجه کند.

فقه امامیه با وجود صراحت در قواعد تکرار جرم، در برخی موارد تنوع دیدگاه دارد. مثلاً در مورد زنا، برخی فقها قتل را در مرتبه سوم و برخی در مرتبه چهارم لازم دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق؛ بهبهانی، ۱۴۰۵ق). این اختلاف نشان می‌دهد که حتی در منابع فقهی نیز جای اجتهاد و نوآوری وجود دارد. قانون ایران با پذیرش نظر مشهور، قتل را در مرتبه چهارم مقرر کرده است.

یکی از مزیت‌های حقوق ایران نسبت به فقه آن است که در تعدد جرایم، قانون‌گذار سقف مشخصی برای تشدید تعیین کرده است (ماده ۱۳۴). این موجب می‌شود که مجازات‌ها از حد معقول فراتر نروند. در حالی که در فقه، اصل بر اجرای همه حدود است و گاه ممکن است منجر به مثله شدن بیش از حد مجرم شود. این تفاوت نشان‌دهنده‌ی گرایش قانون‌گذار به رعایت معیارهای حقوق بشری مدرن است (نوربهاء، ۱۳۶۹).

با این حال، باید اذعان داشت که مقررات ایران در حوزه تکرار جرم همچنان بیش از اندازه سخت‌گیرانه است. محروم کردن کامل مرتکبان تکرار از نهادهایی مانند تعلیق یا آزادی مشروط، ممکن است برخلاف اهداف بازاجتماعی کردن مجرم باشد (صانعی، ۱۳۸۲). بنابراین، بازنگری در این محرومیت‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

پیشنهاد برخی پژوهشگران این است که قانون‌گذار باید مقررات تعدد و تکرار را شفاف‌تر کند و برای هر دسته از جرایم (حدی، قصاصی، تعزیری) قواعد جداگانه وضع نماید. این تفکیک می‌تواند هم عدالت کیفری را تقویت کند و هم موجب انسجام بیشتر نظام حقوقی شود (یثربی، ۱۳۸۵).

در جمع‌بندی نقدها می‌توان گفت که فقه امامیه در حوزه تکرار جرم گاه مجازات‌های شدیدی پیش‌بینی کرده که با اصل تناسب امروزیین محل بحث است، اما از سوی دیگر انعطاف زیادی در تعزیرات به قاضی می‌دهد. در مقابل، حقوق ایران تلاش کرده با تعیین چارچوب عددی (مانند افزایش یک‌ونیم برابر) از افراط بکاهد، اما در عین حال انعطاف فقهی را از دست داده است. بنابراین بهترین راه، اصلاح مقررات به گونه‌ای است که هم از مبانی فقهی الهام گیرد و هم با سیاست جنایی معاصر و اصول حقوق بشر هماهنگ باشد.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی نشان داد که مسئله‌ی تعدد و تکرار جرم هم در فقه امامیه و هم در حقوق ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. در هر دو نظام، این دو نهاد به‌عنوان عوامل مشدد مجازات شناخته می‌شوند و فلسفه‌ی وجودی آنها در بازدارندگی، حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از تکرار بزه ریشه دارد. آیات قرآن کریم مانند «ولا تزر وازرةُ زرِّ آخری» (انعام: ۱۶۴) و روایات متعدد از ائمه (ع) پایه‌های اصلی این قواعد در فقه را تشکیل داده‌اند، در حالی که در حقوق ایران، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مهم‌ترین مستند قانونی در این زمینه است.

در حوزه‌ی تعدد جرم، فقه امامیه قاعده‌ی «جمع مجازات‌ها» را پذیرفته است، مگر در جایی که اجرای یکی از حدود مانع اجرای دیگری شود. در حقوق ایران، این قاعده در ماده ۱۳۴ انعکاس یافته اما با محدودیت‌هایی مانند سقف یک‌ونیم برابر. این نشان می‌دهد که قانون‌گذار کوشیده است میان شدت فقهی و ملاحظات عدالت کیفری مدرن تعادل ایجاد کند. بنابراین می‌توان گفت که حقوق ایران ضمن وفاداری به مبانی فقهی، به سمت انسانی‌تر کردن کیفرها نیز حرکت کرده است.

در زمینه‌ی تکرار جرم، فقه امامیه تأکید فراوان بر تشدید تدریجی دارد؛ چنان‌که در شرب خمر، زنا و قذف در مرتبه چهارم حکم به قتل صادر شده است. قانون مجازات اسلامی نیز در ماده ۱۳۶ همین قاعده را عیناً پذیرفته است. با این حال، ماده ۱۳۷ به جرایم تعزیری پرداخته و تشدید نسبی (تا یک‌ونیم برابر) را مقرر کرده است. این تمایز نشان می‌دهد که حقوق ایران ترکیبی از قواعد شرعی و سیاست جنایی معاصر را دنبال می‌کند.

از نظر شباهت‌ها، هر دو نظام در پذیرش اصل تشدید در تعدد و تکرار جرم هم‌سو هستند. اما تفاوت‌ها عمدتاً در قلمرو و میزان تشدید بروز می‌کند. فقه امامیه در بسیاری از موارد به اجرای همه مجازات‌ها یا به قتل در تکرار چهارم حکم می‌دهد، در حالی که قانون ایران تلاش کرده با وضع سقف و اختیار به قاضی، عدالت کیفری را حفظ کند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که حقوق ایران علاوه بر فقه، از تجربه‌های حقوق تطبیقی نیز بهره گرفته است.

نقد‌های وارد بر فقه امامیه بیشتر به شدت مجازات‌ها در تکرار جرم بازمی‌گردد، زیرا حکم قتل در مرتبه سوم یا چهارم از دیدگاه حقوق کیفری معاصر با اصل تناسب جرم و مجازات ناسازگار تلقی می‌شود. در مقابل، نقد اصلی بر حقوق ایران، وجود ابهامات و ناهمگونی در رویه قضایی است. به‌ویژه در تشخیص مرز میان تعدد و تکرار یا در تعیین میزان تشدید، قضات رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند که موجب کاهش انسجام در سیاست جنایی شده است.

با وجود این نقدها، فقه امامیه از انسجام نظری و شفافیت برخوردار است و صراحت روایات باعث شده که تکلیف بسیاری از مسائل مشخص باشد. در مقابل، حقوق ایران گرچه از فقه الهام گرفته، اما در تعزیرات با بهره‌گیری از درجه‌بندی مجازات‌ها به عدالت فردی نزدیک‌تر شده است. این دوگانگی را می‌توان نقطه‌ی قوت دانست، زیرا قانون‌گذار توانسته میان مبانی دینی و ملاحظات اجتماعی پیوندی نسبی برقرار کند.

نتیجه‌ی اصلی پژوهش آن است که نظام کیفری ایران در حوزه تعدد و تکرار جرم به اصلاح و تکمیل نیاز دارد. به‌ویژه باید قلمرو تکرار در جرایم تعزیری دقیق‌تر تعیین شود، آثار آن بر نهادهای ارفاقی شفاف گردد و تمایز میان جرایم مشابه و غیرمشابه در نظر گرفته شود. همچنین لازم است قاعده‌ی تقدم حقوق الناس بر حقوق الله که در فقه امامیه پذیرفته شده است، به صراحت وارد قوانین گردد تا عدالت کیفری بهتر تضمین شود.

در نهایت، می‌توان گفت که فقه امامیه و حقوق ایران در زمینه‌ی تعدد و تکرار جرم هر یک مزایای خاصی دارند: فقه از وضوح و مبنای شرعی قوی برخوردار است و حقوق ایران از انعطاف و تناسب بیشتر با نیازهای اجتماعی. ترکیب این دو ظرفیت می‌تواند به شکل‌گیری نظامی کارآمدتر منجر شود. پیشنهاد این پژوهش آن است که قانون‌گذار با اصلاح مواد مربوط به تعدد و تکرار، هم وفاداری به مبانی فقهی را حفظ کند و هم با استفاده از تجارب نوین سیاست جنایی، عدالت و کارآمدی بیشتری را تأمین نماید.

منابع

آخوندی، محمود. (۱۳۷۹). جرایم مشابه و تشدید مجازات، نقد و بررسی یک رویه قضایی. مجله آموزش عالی قم، سال دوم، شماره ششم، تابستان.

ابن ادریس حلی، محمد بن احمد. (۱۴۱۰ق) السرائر. قم: جامعه مدرسین.

ابوبکر الکاسانی. (بی تا). (بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع (ج. ۷).

اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۰). حقوق جزای عمومی. تهران: نشر میزان.

- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی (جلد سوم). تهران: انتشارات میزان.
- اصفهانی نجفی، محمدحسن بن باقر. (۱۳۶۳ش). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ایروانیان، امیر. (۱۳۹۲). نظریه عمومی سیاست گذاری جنایی. تهران: انتشارات شهر دانش.
- بهبهانی، علی. (۱۴۰۵ق). الفوائد العلیه. اهواز: مکتب دارالعلم.
- پارسای نوربهاء، رضا. (۱۳۶۹). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: کانون وکلای دادگستری.
- پرویز صانعی. (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات طرح نو.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۴). ترمینولوژی حقوق (جلد اول). تهران: انتشارات گنج دانش.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۵). تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا. قم: معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- خویی غروی، ابوالقاسم. (۱۴۰۷ق). میانی تکملة المنهاج. قم: دارالهادی.
- دانشگاه آزاد اسلامی تبریز. (۱۳۸۵). مجموعه مقالات همایش ملی پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه: کتاب قرآن و حقوق. مشهد: بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا (دوره جدید). تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۵). لغت نامه دهخدا (جلد اول). تهران: دانشگاه تهران.
- شمس ناتری، محمدابراهیم. (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی مجازات اعدام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- شیخ مفید. (۱۴۱۰ق). المقنعه. قم.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. قم: منشورات قدس.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۷ق). الخلاف. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی. (۱۴۱۱ق). اللمعه الدمشقیه. قم: دارالفکر.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه. قم: انتشارات داوری.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (بی تا). مسالك الافهام (ج ۲). قم.
- سید مرتضی علم الهدی، ابوالقاسم علی بن حسین. (۱۴۱۵ق). الانتصار. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین. (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.

عبدالقادر عوده. (بی تا). *التشريع الجنایی الاسلامی (ج. ۲)*. قاهره.

عسگری، غلامحسین. (۱۳۸۴). بررسی و نقد ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب. *مجله فقه اهل بیت*، (۵).

علی آبادی، عبدالحسین. (۱۳۶۸). *حقوق جنایی*. تهران: فردوسی.

فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۳). *جامع المسائل (استفتاءات)*. قم: انتشارات امیرالعلم.

فاضل مقداد سیوری، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۳ق). *نصд القواعد الفقهيّة*. قم: مکتب آیت الله مرعشی.

فیض کاشانی، محسن. (۱۴۰۱ق). *مفاتیح الشرایع*. قم: مجمع الذخائر الاسلامیّه.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ق). *الکافی*. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیّه.

لطفی، رضا. (۱۳۱۸). *تشدید و تخفیف در مجازات*. مجموعه حقوقی اداری فنی وزارت عدلیه، (۱۲).

مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی (زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی). (۱۳۸۴). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*. قم.

همدانی، محمدباقر. (۱۳۸۰). *ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات اسلامی.

یثربی، محمدعلی. (۱۳۸۵). *درسنامه قواعد فقه استدلالی (۱)*: به ضمیمه ۵۰۰ عنوان قاعده فقهی. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

References

- Akhundi, Mahmoud. (2000). Similar Crimes and Aggravation of Punishment, Critique and Review of a Judicial Practice. *Journal of Higher Education Qom* 2, nd year, issue 6, Summer.
- Ibn Idris Hilli, Muhammad bin Ahmad. (1991). *Al-Sara'ir*. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Abu Bakr Al-Kassani. (n.d.). *Badā'i' al-Ṣanā'i' fi Tarteeb al-Sharā'i* 'Vol. 7. (
- Ardabili, Mohammad Ali. (2001). *General Criminal Law*. Tehran: Mizan Publication.
- Ardabili, Mohammad Ali. (2015). *General Criminal Law* (Vol. 3). Tehran: Mizan Publications.
- Isfahani Najafi, Muhammad Hassan bin Baqir. (1984). *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharai' al-Islam*. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Irvaniyan, Amir. (2013). *General Theory of Criminal Policy*. Tehran: Shahr Danesh Publications.
- Behbahani, Ali. (1985). *Al-Fawa'id al-'Alīyah*. Ahvaz: Maktab Dar al-'Ilm.

Parsai Noorbahā, Reza .(1990) .*Foundations of General Criminal Law* .Tehran: Iranian Bar Association.

Parviz Sanaei .(2003) .*General Criminal Law* .Tehran: Tarh-e-No Publications.

Jafari Langarudi, Mohammad Jafar .(2015) .*Terminology of Law* (Vol. 1). Tehran: Ganj Danesh Publications.

A Group of Authors .(2006) .*Ta'azirat from the Perspective of Jurisprudence and Criminal Law* . Qom: Research Department of the Islamic Propagation Office of the Qom Seminary.

Khoei Gharvi, Abu al-Qasim .(1987) .*Mabani Takmila al-Minhaj* .Qom: Dar al-Hadi.

Azad University of Tabriz .(2006) .*Collection of Articles of the National Conference on Quranic Researches of Seminary and University: The Book of the Quran and Law* .Mashhad: Foundation for Quranic Research in Seminary and University.

Dehkhoda, Ali Akbar .(1994) .*Dehkhoda Dictionary* (New Edition). Tehran: University of Tehran.

Dehkhoda, Ali Akbar .(2006) .*Dehkhoda Dictionary* (Vol. 1). Tehran: University of Tehran.

Shams Natari, Mohammad Ibrahim .(1999) .*Comparative Study of the Death Penalty* .Qom: Islamic Propagation Office Publications.

Sheikh Mufid .(1991) .*Al-Muqna'a* .Qom.

Sheikh Tusi, Muhammad bin Hassan. (n.d.) .*Al-Nihāya fi Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatawa* .Qom: Quds Publications.

Sheikh Tusi, Muhammad bin Hassan .(1997) .*Al-Khilāf* .Qom: Islamic Publication Foundation.

Shahid Awal, Muhammad bin Maki Ameli .(1992) .*Al-Lum'a al-Dimashqiya* .Qom: Dar al-Fikr.

Shahid Thani, Zayn al-Din bin Ali .(1990) .*Al-Rawdat al-Bahiyya fi Sharh al-Lum'a al-Dimashqiya* .Qom: Da'uri Publications.

Shahid Thani, Zayn al-Din bin Ali. (n.d.) .*Masaalik al-Afham* (Vol. 2). Qom.

Sayyid Murtaza Alam al-Huda ,Abu al-Qasim Ali bin Hussein .(1996) .*Al-Intisar* .Qom: Islamic Publication Institute.

Tabatabai, Muhammad Hussein. (n.d.) .*Al-Mizan fi Tafseer al-Quran* .Qom: Islamic Publication Foundation.

Tabarsi, Fadl bin Hassan .(1995) .*Majma' al-Bayan fi Tafseer al-Quran* .Beirut: Al-'Alami Foundation.

Abd al-Qadir Auda. (n.d.) .*Al-Tashree' al-Jinā'i al-Islami* (Vol. 2). Cairo.

Asgari, Gholamhossein .(2005) .*Review and Critique of Article 18 of the Law on the Establishment of Public and Revolutionary Courts* .*Journal of Fiqh Ahl al-Bayt*.(5) ,

Ali Abadi, Abdolhossein .(1989) .*Criminal Law* .Tehran: Ferdowsi Publication.

Fazl Lankarani, Mohammad .(2004) .*Jami' al-Masail (Fatwas)* .Qom: Amir al-'Ilm Publications.

Fazl Miqdad Seviri, Miqdad bin Abdullah .(1996) .*Nazd al-Qawa'id al-Fiqhiyya* .Qom: Ayatollah Mar'ashi Maktab.

Feyz Kashani, Mohsen .(1981) .*Mafatih al-Shari'a* .Qom: Majma' al-Zakha'ir al-Islamiyya.

Qara'ati ,Mohsen .(2004) .*Tafseer Nur* .Tehran: Center for Quran Lessons.

Kuleini, Mohammad bin Ya'qub .(2007) .*Al-Kafi* .Edited by Ali Akbar Ghafari. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

Lutfi, Reza .(1939) .*Aggravation and Mitigation of Punishment* .*Legal Administrative Collection, Ministry of Justice*.(12) ,

Encyclopaedia of Islamic Jurisprudence (under the supervision of Ayatollah Mahmoud Hashemi Shahroudi) .(2005) .*Dictionary of Jurisprudence According to the School of Ahl al-Bayt (AS)* . Qom.

Hamadхани, Mohammad Baqir .(2001) .*Translation of Al-Mizan fi Tafseer al-Quran* .Qom: Islamic Publications.

Yathrabi, Mohammad Ali .(2006) .*Lesson Notes on Deductive Jurisprudence Principles (1): With 500 Titles of Jurisprudential Rules* .Tehran: Jihad University Publications.

